

زیبای گمشده

(رمان)

امی هارین

ترجمه: آتنا رحمتی



سرشناسه	هارمون، ایمی، Harmon, Amy :
عنوان و نام پدیدآور	زیبای گمشده (رمان) / امی هارمن؛ مترجم آتنا رحمتی؛ ویراستار آرزو کلائی.
مشخصات نشر	تهران: آموت، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۴۲۴ ص.
شابک	978-600-384-067-6
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا :
یا داشت	عنوان اصلی: Making face, c2013
رضو	داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۱ م. American fiction - 21st century
شماره افزوده	رحمتی، آتنا، ۱۳۷۲ - مترجم
رده‌بندی کنگره	۹ ز ۴ الف / PS۳۶۲۵
رده‌بندی دی‌سی	۸۱۳/۶
شماره کتبی	۵۰۱۱۲۸۵



زیبان گمشده

(رمان)

ایم‌هارمون

ترجمه: آتنا رحمتی
ویراستار: آرزو کلائی

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

حروفچینی: شهیر / لیتوگرافی و چاپ: برانه

نمونه‌خوانی: مینا فرشی احمدی - رکسانا نقوی

نشر آموت

تلفن: ۰۶۶۴۹۹۱۰۵ - ۰۹۳۶۰۳۵۵۴۰۱ : اینستاگرام: www.instagram.com/aamout

پست الکترونیکی: aamout@gmail.com / وب سایت: www.aamout.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

978-600-384-067-6

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۴-۰۶۷-۶

«کتابفروشی آموت»

تهران - بلوار مرزداران - نبش خیابان آریافر - ساختمان ۲۰۰۰ - طبقه همکف شمالی

تلفن: ۰۹۳۶۸۱۲۸۱۸۰ - ۴۴۲۳۲۰۷۵

پیشگفتار

بیلی^۱ چشم‌هایش را روی خطوط کتاب حرکت داد و با صدای بلند خواند:

«یونانیان باستان معتقد به دنیایی که روح همه‌ی انسان‌ها، صرف‌نظر از خوب یا بد بودنشان، به جهان زیرین^۲، قلمرو هادِس^۳، سقوط می‌کنند و تا ابدیت در اعماق زمین می‌مانند. ربروس^۴ از جهان مردگان در مقابل دنیای زندگان نگهبانی می‌کرد. سگی بزرگ و وحشی و بی‌رحم که سه سر داشت، دمش به شکل اردها بود و مارهایی از پشت گردن تا کمرش بیرون زده بودند.»

بیلی با تصور هیبت هیولا به خود لرزید و به هرکول^۵ فکر کرد که چه احساسی داشته است وقتی برای اولین بار این هیولا را دیده و می‌انسته

1. Bailey

۲. the kingdom of Hades: در اساطیر یونان باستان، هادِس خدای جهان زیرین و سرزمین مردگان بود. قلمرو هادِس همان جایی بود که مردگان پس از مرگ می‌رفتند. م.

3. Cerberus

۴. Hercules: هرکول (به یونانی هراکلس) نام‌آورترین قهرمان اسطوره‌ای یونان است. او پسر زئوس و آلفکنه بود. آلفکنه انسان و فناپذیر بود و زئوس خود را به شکل همسر آلفکنه درآورد، با آلفکنه همبستر و آلفکنه هرکول را حامله شد. م.

که باید بدون هیچ سلاحی و با دست خالی آن را شکست دهد.

«این آخرین مأموریت هرکول بود. آخرین کاری که باید انجام می داد و سخت ترین مبارزه اش تا آن لحظه بود. هرکول می دانست وقتی به جهان مردگان وارد شود، وقتی در مسیر پیش رویش، با ارواح و هیولاها روبه رو شود و با شیاطین و تمامی موجودات افسانه ای کشتی بگیرد، شاید دیگر هرگز نتواند به دنیای زندگان باز گردد. اما هرکول از مرگ نمی ترسید. او بارها با مرگ روبه رو شده بود و مدت ها منتظر روزی بود که او هم از این بردگی بی پایان رهایی یابد. بنابراین به قلمرو هادس رفت؛ با این امید که بتواند روح آنایی را ببیند که روزی عاشقشان بوده است؛ کسانی که حالا برای آنها خودش را سرنش می کرد.»

www.kebook.ir